

بررسی لالایی های حضرت فاطمه سلام الله علیها

نگارنده: حکیمه کلانتری نیا

زیر نظر: مهندس خاضعی نیا

چکیده:

در این تحقیق سه بیت از اشعار حضرت فاطمه‌ی زهرا(س) که در قالب لالایی برای فرزندانش امام حسن(ع) و امام حسین(ع) سروده اند مورد ارزیابی قرار گرفته است.

در ابتدا واژه‌ی لالایی تعریف شده است و تأثیر لالایی بر روح و روان کودک مورد بررسی قرار گرفته است. سپس مفاهیم دو بیت از این اشعار که در زمان کودکی امام حسن(ع) سروده شده‌اند ذکر شده‌اند و در آخر نیز یک بیت دیگر که برای امام حسین(ع) توسط حضرت زهرا(س) گفته شده است بررسی شده است.

کلمات کلیدی: حضرت زهرا(س)، لالایی.

مقدمه

یکی از کهن‌ترین ترانه‌های کودکان در فرهنگ عامه «لالایی» است که از زمان‌های دور در فرهنگ‌ها و آداب ملل مختلف وجود داشته و با عناوین مختلفی همچون لالای، لالایی، لالا و ... بدان پرداخته شده است. واژه لالا هم به معنی دایه و هم به معنی خواب و خوابیدن است از طرفی واژه «لال» به معنی خاموش کردن هم است و در حقیقت لالایی نیز برای ساکت کردن بچه‌ها به کار برده می‌شده است.

وقتی مادر برای کودک خود لالایی می‌خواند با تکرار ریتم موسیقی و حدفاصل سطح ساده کلام، او را با زبان آشنا می‌سازد. لالایی یکی از جلوه‌های فولکلور است که از پاک‌ترین، زلال‌ترین و ناب‌ترین اندیشه‌های انسانی سرچشمه گرفته است و از زبان مادر برای نوزاد بیان می‌شود از آن جهت است که نوزادان با صدای مادر خود بیشتر از پدر ارتباط برقرار می‌کنند. حتی گوش نوزاد قبل از تولد و در هفته بیستم تکامل، بطور کامل رشد می‌کند و مغز او قبل از ۲۴ هفتگی به صداهایی که از خارج از رحم می‌شنود پاسخ‌های الکتریکی می‌دهد.

لالایی‌ها بی‌تردید نخستین نغمه‌های آهنگینی هستند که با صدای مهربانانه مادر در گوش نوزادان زمزمه می‌شود و آهنگ آن اغلب یکنواخت و خواب‌آور است از این رو می‌توان لالایی را آغازگر ادبیات زنانه دانست که در پای گاهواره بچه‌هایشان شروع کرده‌اند.

دقت در مضمون لالایی‌های اقوام مختلف و طبقه‌بندی آن‌ها می‌تواند ما را در شناخت فرهنگ عمومی اقوام و مردم مناطق و به طور خاص زندگی و نوع نگاه زنان آن جامعه کمک کند؛ لازمه‌ی پرداختن به فرم لالایی، پرداختن به مسایلی از قبیل موسیقی شعر لالایی، وزن آن، شکل استفاده از قافیه، بلندی و کوتاهی آن است که همه‌ی این‌ها به غیر از موسیقی آوازی، خاص لالایی است.

لالایی‌ها می‌توانند دو مصراع، سه، چهار و یا پنج مصراعی باشند که همه در ساختار ترانه (دوبیتی) است. بیشتر لالایی‌ها فی‌البداهه و احساسی است که از دل مادر می‌جوشد و بر لبانش جاری می‌شود و کودک را از چشمه محبت سیراب می‌کند و گاهی خشم و اعتراض علیه ظالمان و متجاوزان در لالایی متجلی است.

ساختار لالایی

در فرهنگ‌های لغت، لالایی با سه مشخصه وزن، بُعد موسیقایی و بُعد نمایشی آمده است.

در بُعد نخست که مربوط به وزن است، لالایی‌ها از درونمایه‌ای شاعرانه برخوردارند؛ یعنی از حیث الزامات شعری هم دارای وزن‌اند و هم قافیه. این لالایی‌ها در اکثر موارد از تکرار مصراع‌های کوتاه، موزون و قافیه‌دار پدید آمده‌اند و یا به شکل چهارپاره هستند. بُعد دوم لالایی‌ها، جنبه موسیقایی آن است که مهمترین بخش ماهیتی لالایی‌هاست. اهمیت بُعد موسیقی در لالایی از آن‌جا برای ما مشخص‌تر می‌شود که بخواهیم نمونه‌ای از آن‌ها را به شکلی ساده بخوانیم که قطعاً هم کارکرد و هم لطافت موجود در آن‌ها از میان خواهد رفت. لذا جنبه موسیقایی لالایی‌ها اهمیت بسزایی دارد.

می‌توان گفت موسیقی در ذات لالایی نهفته است و این شاید اساسی‌ترین وجه تمایز این قالب شعری با صورت‌های دیگر ادبی است.

تم و طنین موجود در لالایی‌ها بسیار نرم و آرام است و اساساً اگر غیر از این باشد جنبه کارکردی خود را از دست خواهد داد. یعنی اگر ملودی‌های لالایی خشن و تند باشند و فاقد جنبه‌های رمانتیک، کارکرد خود را که همانا خواباندن کودک است، از دست می‌دهند. ملودی‌های لالایی، ساده و عاری از پیچیدگی هستند بیشتر اوقات نیز سردادن لالایی‌ها با صدای بلند آغاز می‌شود و بعد از آن که پلک‌های کودک سنگین شد، صدای لالایی نیز رفته رفته پایین می‌آید.

و سرانجام بُعد سوم لالایی‌ها که ساختار شبه نمایشی آن است، به آن معنی است که لالایی‌ها همواره با رعایت حرکات و کنش‌های خاص و آرام مادر صورت می‌پذیرند [۱].

لالایی در سیره‌ی حضرت زهرا(س)

نکته بسیار مهمی که بسیاری از والدین به آن توجه ندارند این است که تربیت کودک و نقش‌پذیری او از نخستین لحظات زندگی او آغاز می‌گردد و کودک از لحظات آغازین تولد آماده پذیرش نقش‌ها و درس‌هایی است که از طرف پدر و مادر به او ارائه می‌شود. بسیاری از والدین منتظر می‌مانند تا سالیان اولیه زندگی به

هر شکلی بگذرد تا در سالیان بعد به تربیت کودکان بپردازند اما از دستورات اسلامی و نیز از سیره تربیتی حضرت زهرا(س) می‌آموزیم که پس از تولد و از اولین فرصت‌ها باید زمزمه توحید در گوش کودکان طنین‌انداز شود. روح هشیار کودک در همان اوایل نیز توان دریافت معارف والا را دارد و این کلمات تأثیر ویژه‌ای را بر روح لطیف کودک می‌گذارد. به این نمونه بنگرید: چون هنگام ولادت کودک فاطمه(س) فرارسید رسول خدا(ص) به اسماء بنت عمیس و ام سلمه فرمود: نزد فاطمه بشتابید و چون کودک به دنیا آمد در گوش راستش اذان و در گوش چپش اقامه بگویید زیرا با هر کودکی که این‌گونه رفتار شود از شیطان ایمن می‌ماند. یکی دیگر از این آموزش‌های آغازین زندگی، لالایی فاطمه(س) است. لالایی که معمولاً همراه با در آغوش کشیدن کودک گفته می‌شود و بهترین داروی آرامش‌بخش برای دوران لطیف کودکی می‌باشد. بدون شک پر آرامش‌ترین لحظات زندگی انسان و آسایش‌مندترین دقایق زندگی همان لحظه‌ها و دقیقه‌هایی است که کودک همراه با آهنگ ناب مادرانه و آوای مهرآمیز او آرام‌آرام به خواب می‌رود و اگر در این لحظات درس‌های ایمان و معرفت، جهاد و مبارزه، انسانیت و اخلاق به کودک داده شود بدون شک چونان نقشی بر سنگ در ضمیر ناخودآگاه او جای گرفته و سرلوحه زندگی فردای او خواهد بود.

دو لالایی از زبان حضرت زهرا(س) برای فرزندانش امام حسن(ع) و امام حسین(ع) به جای مانده که در ادامه به بررسی آن‌ها می‌پردازیم:

دو بیت زیر هنگام کودکی امام حسن(ع) سروده شده:

۱،

أشبه أباك يا حسنُ وأخْلَعُ عَنِ الْحَقِّ الرَّسْنَ
وَأَعْبُدُهَا ذَا الْمَنَنِ وَلَا تُوَالِ ذَا الْإِحْنِ

«حسن جان! مانند پدرت علی(ع) باش و ریسمان از گردن حق بردار

خدای احسان کننده را پرستش کن و با افراد دشمن و کینه‌توز دوستی مکن [۲].»

و آن‌گاه که امام حسین(ع) را بر روی دست نوازش می‌داد می‌فرمود:

۲،

أنتَ شَبِيهٌ بِأَبِي لَسْتُ شَبِيهًا بِعَلِيٍّ

«حسین جان تو به پدرم رسول‌الله(ص) شباهت داری و به پدرت علی(ع) شبیه نیستی [۳].»

در دو بیت شعر که حضرت برای فرزندشان امام حسن(ع) سروده‌اند به مفاهیم زیر اشاره شده است:

۱. الگوپذیری کودک از والدین(در این شعر از پدر)

۲. پیروی از حق

۳. بندگی خدا

۴. دشمنی با ستمکاران

حضرت زهرا(س) از همان ابتدا فرزند خود را با مفاهیمی آشنا می‌کند که اساس شخصیت هر فرد را تشکیل می‌دهند و مدام آن‌ها را برای او زمزمه می‌کند تا تمام وجود کودک را فراگیرد.

از مفهوم مصرع اول دریافت می‌شود که مادر سعادت فرزند خود را در این می‌بیند که راه پدر را ادامه دهد و شبیه به پدرش رفتار کند چیزی که متأسفانه در جامعه‌ی امروزه، مادران فرزندان خود را کمتر به آن توصیه می‌کنند و پدران را الگوی مناسبی برای فرزندان خود نمی‌بینند و حتی تشویق می‌کنند که راهی جدا از راه پدر را انتخاب کنند.

از جمله واژه‌هایی که با کلمه الگو تناسب و همپوشی دارد، اسوه، مدل، نمونه، قهرمان، مثال و سرمشق است. الگو در روانشناسی به معنای «طرح و نمونه عینی» به کار می‌رود. الگوپذیری یعنی رضایت فرد به انطباق رفتارش با دیگرانی است که خود می‌پسندد، در جهت هماهنگی و انسجام رفتاری با آن‌ها. انسان در تمام عمر کم و بیش از دیگران تقلید می‌کند اما در سنین بین ۱ تا ۶ سالگی بیشتر از این غریزه برخوردار است که اگر در سنین بالاتر با معرفت و آگاهی همراه شود انتخاب الگو صورت می‌پذیرد.

کودکان آینه‌ی تمام نمای الگوهای محیطی‌اند. در خانه ممکن است رفتارهای یکی از اعضای خانواده را که از قدرت و یا از محبوبیت خانوادگی بیشتری برخوردار است تقلید نماید مانند سخن گفتن، راه رفتن، آداب معاشرت، و نحوه‌ی برخورد‌های اجتماعی، و ... [۴].

حضرت زهرا(س) با دقت و ظرافتی که در تربیت فرزند خود دارد آگاهانه از فرزند خود می‌خواهد که در زندگی شبیه پدر رفتار کند و راه او را ادامه دهد.

در ادامه حضرت زهرا(س) علت انتخاب حضرت علی(ع) را برای الگوپذیری به فرزندش بیان می‌کند و خصوصیات حضرت علی(ع) را یادآوری می‌کند یکی از آن‌ها پیروی از حق می‌باشد که همان راه علی(ع) است و از فرزند دل‌بند خود می‌خواهد که مانند پدر همیشه از حق دفاع کند تا حق کسی پایمال نشود. امام حسین (ع) می‌فرماید: «عقل جز با پیروی از حق کامل نمی‌شود [۵]». پس تکامل انسان در گرو پیروی از حق می‌باشد.

برای پیروی از حق ابتدا باید حق را شناخت تا از آن پیروی کرد. سپس باید منبع و سرچشمه حق را شناسایی نمود تا بشود آن را دریافت نمود.

حق، همیشه در مقابل باطل بکار برده می‌شود و لازمه پیروی از حق، دوری از باطل می‌باشد. مفهوم حق، خداوند است. اطاعت از خدا، اطاعت از حق و راستی است و اطاعت هر آنچه غیر اوست، اطاعت از باطل و دور شدن از مسیر حق است.

نکته‌ی دیگری که حضرت زهرا(س) به آن اشاره می‌کند بندگی خداوند متعال است. امام صادق(ع) می‌فرماید: حقیقت عبودیت و بندگی سه چیز است: اول این که بنده در آنچه خدا بر او منت گذاشته و بخشیده است برای خود مالکیت نبیند، بدان جهت که بندگان را ملکی نیست، مال را مال خدا می‌دانند، و

آن را در جایی که خدا فرموده است قرار می‌دهند. دوم: این که بنده خدا برای خودش مصلحت‌اندیشی و تدبیر نکند. سوم: این که تمام مشغولیاتش منحصر شود به آنچه که خداوند او را بدان امر نموده، یا از آن نهی فرموده است. بنابراین، اگر بنده خدا برای خودش ملکیتی را در آنچه که خدا به او سپرده است نبیند، انفاق نمودن بر او آسان می‌شود. و چون بنده خدا تدبیر امور خود را به مدبرش بسپارد، مصائب و مشکلات دنیا بر وی آسان می‌گردد. و زمانی که به آنچه خداوند به وی امر کرده و نهی نموده است اشتغال ورزد، دیگر فراغتی نمی‌یابد تا مجال و فرصت خودنمایی و فخرنمودن بر مردم پیدا نماید.

از این رو چون خداوند بنده خود را به این سه چیز گرامی بدارد، زندگی در دنیا و نحوه برخورد با ابلیس و خلاق بر وی سهل و آسان می‌گردد. به انگیزه زیاده‌اندوزی و فخر و مباهات با مردم به دنبال دنیا نمی‌رود و آنچه را که از جاه و جلال و منصب و مال در دست مردم می‌نگرد، آن‌ها را برای عزت و علو درجه خویشتن طلب نمی‌نماید و روزهای خود را به بطالت و بیهودگی نمی‌گذراند [۶].

و در آخر به دشمنی با ستمگران اشاره شده که همان «تولی و تبری» است. تولی و تبری دو اصطلاح قرآنی است که از دیدگاه شیعه از جمله فروع دین و از واجبات اسلام شمرده می‌شود. این دو واژه، به ترتیب، به معنای دوستی با دوستان خدا و نزدیکی به اهل حق، و دشمنی با دشمنان خدا و دوری از اهل باطل است. در روایات اهل بیت (ع) بر این دو اصل تاکید بسیاری شده است.

رسول خدا (ص) فرمود: «استوارترین دستگیره ایمان، دوستی و دشمنی برای خدا، ارتباط با دوستان خدا و گسستن از دشمنان اوست [۷]».

با توجه به مطالب فوق به این نتیجه می‌رسیم که حضرت زهرا (س) فرزندان خود را با مفاهیم گسترده‌ای که برای زندگی و سعادت هر فردی نیاز است در دوران کودکی و در زمانی که شخصیت فرد شکل می‌گیرد در قالب لالایی آشنا می‌کند و آموزه‌های تربیتی را با زبان شعر و کلماتی آهنگین برای آن‌ها بیان می‌کند.

در بیت دیگر که حضرت زهرا (س) آن را برای امام حسین (ع) زمزمه کرده است به خصوصیات ظاهری امام حسین (ع) اشاره شده که امام حسین (ع) از نظر ظاهری به پیامبر (ص) شباهت داشته است.

حضرت علی (ع) که آشناترین و نزدیک‌ترین افراد به رسول خدا (ص) و فرزندان خود امام حسن (ع) و امام حسین (ع) بود درباره‌ی شباهت آنان چنین فرمود: «حسن بن علی (ع) از سر تا سینه شبیه رسول خدا (ص) بود و حسین از سینه به پایین [۸]».

چهره امام حسین (ع)

درباره شباهت امام حسین (ع) به پیامبر روایاتی در کتب تاریخی آمده که در ادامه می‌آید:

حضرت امام علی (ع) فرمود: «من سره أن ينظر إلى أشبه الناس برسول الله (ص) و سلم ما بين عنقه إلى وجهه فليُنظر إلى الحسن بن عليّ، و من سرّه أن ينظر إلى أشبه الناس برسول الله (ص) و سلم ما بين عنقه إلى كعبه خلقا و لونا فليُنظر إلى الحسين بن عليّ، قال: أخرج الطبراني و أبو نعيم [۹]؛ هر کس دوست دارد

که به شبیه‌ترین مردم به پیامبر خدا(ص) ما بین گردن و دهان آن حضرت بنگرد، به حسن نگاه کند و هرکس دوست دارد که به شبیه‌ترین مردم به رسول خدا(ع) از گردن تا قوزک پا نگاه کند، از نظر خلقت و رنگ، به حسین بن علی بنگرد... [۱۰]»

کنز العمال ج ۷ ص ۱۰۶ از حضرت علی(ع) روایت می‌کند که فرمود:

هرکس که خوشحال می‌شود با نگاه کردن به شبیه‌ترین مردمان از نظر رخسار و گردن به رسول خدا(ص)، پس به حسن بن علی(ع) بنگرد و هر کس که مسرور می‌گردد از اینکه شبیه‌ترین مردمان به رسول خدا(ص) را از گردن به پائین و از نظر آفرینش و رنگ، ببیند، پس به حسین بن علی(ع) نگاه کند [۱۱].

«طبرانی» و «ابو نعیم» این حدیث را روایت کرده اند.

و الإمام بعد الحسن بن علی(ع) أخوه الحسين بن علیّ ابن فاطمة بنت رسول الله(ص) بنص أبیه و جده علیه و وصیة أخیه الحسن إليه.

کنیته أبو عبد الله ولد بالمدينة لخمس لیل خلون من شعبان سنة أربع من الهجرة و جاءت به أمه فاطمة(س) إلی جدّه رسول الله(ص) فاستبشر به و سمّاه حسیناً و عقی عنه کبشاً و هو و أخوه بشهادة الرسول(ص) سیّدا شباب أهل الجنة و باتفاق الذی لا مریة فیهِ سبطاً نبی الرحمة. و كان الحسن بن علی(ع) یشبّه بالنبی(ص) من صدره إلی رأسه و الحسین یشبّه به من صدره إلی رجلیه و کانا حبیبئ رسول الله(ص) من بین جمیع أهله و ولده روی زاذان عن سلمان رضى الله عنه قال سمعت رسول الله ص یقول فی الحسن و الحسین(ع) [۱۲]؛ (بدان که) امام پس از حسن بن علی(ع) برادرش حسین بن علی(ع) است که فرزند فاطمه دختر رسول خدا(ص) بود (و دلیل بر امامتش) گفتار صریح پدر و جدش(ع) است که در باره (امامت) او فرمودند، و هم چنین وصیت برادرش حسن(ع) به او (نشانه دیگری بر امامت آن حضرت بود).

کنیه اش ابو عبد الله است و در شب پنجم شعبان سال چهارم هجری در مدینه به دنیا آمد و مادرش فاطمه او را به نزد جدش رسول خدا(ص) آورد، و آن حضرت بدیدار او خرسند شده او را حسین نامید، و گوسفندی برای او قربانی کرد، او و برادرش (حسن) (ع) بشهادت و گواهی رسول خدا(ص) دو آقایان جوانان اهل بهشت هستند، و باتفاق (شیعه و سنی) که شبیه در آن نیست دو سبط پیغمبر رحمت(ص) هستند، و حسن بن علی(ع) از سر تا سینه شبیه به پیغمبر(ص) بود، و حسین(ع) از سینه تا پا شباهت بآن حضرت(ص) داشت، و آن دو از میان همه خاندان و فرزندان آن جناب(ص) مورد علاقه و حبیان رسول خدا(ص) بودند [۱۳].

منابع:

۱. بخاری، ابو عبدالله محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری فی کتاب بده الخلق فی باب صفه النبی صلی الله فضائل الخمسه من الصحاح الستہ.
۲. حسینی، میرسعید، مجله تربیت، مقاله ویژگی‌های رفتای کودکان، سال ششم، اردیبهشت ۱۳۷۰
۳. دشتی، محمد، نهج‌الحیاه فرهنگ سخنان فاطمه (علیها السلام) ، انتشارات مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین.
۴. شیخ مفید، ارشاد، ترجمه رسول محلاتی، ناشر: اسلامیة، تهران.
۵. شیخ مفید، الارشاد ، ناشر: کنگره شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ ق.
۶. طبرانی، ابوالقاسم، المعجم الكبير.
۷. عالمی، محمدعلی، حسین نفس مطمئنه، انتشارات هاد، چاپ پنجم.
۸. فیروز آبادی، سید مرتضی، فضائل الخمسة من الصحاح الستة، ناشر: اسلامیة، تهران، ۱۳۹۲ق.
۹. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، مؤسسه الوفاء بیروت لبنان.
۱۰. سروری، شاهرخ، keshamkane.persianblog.ir وبلاگ خشم کانه، سایت تخصصی شعر.

[۱] - وبلاگ خشم کانه، شاهرخ سروری

[۲] - نهج‌الحیاء، ص ۱۸۵

[۳] - همان، ص ۱۸۵

[۴] - مجله تربیت، شماره هشتم، سال ششم، ص ۱۸

[۵] - مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۱۲۰

[۶] - بحار الانوار، ج ۱، ص ۲۲۴، ح ۱۷

[۷] - طباطبایی، محمدحسین، المیزان، ج ۶، ص ۶۱

[۸] - حسین(ع) نفس مطمئنه ، ص ۲۱

[۹] - صحیح البخاری ، ج ۳، ص: ۲۱

[۱۰] - طبرانی، المعجم الكبير ، ۳: ۹۸

[۱۱] - فضائل پنج تن(ع) در صحاح ششگانه اهل سنت، ج ۴، ص: ۱۴۰

[١٢] – الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد، ج ٢، ص ٢٨،

[١٣] – ارشاد-ترجمه رسولي محلاتي، ج ٢، ص ٢٥،